

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۲۳

محمد رضا غیاثیان<sup>۱</sup>

## سیر تکامل تصاویر عوج بن عنق در نگارگری ایران (سده‌های هفتم تا دهم هجری قمری)

### چکیده

داستان زندگانی شخصیتی به نام عوج بن عنق که ریشه در اسرئیلیات داشت، از سده‌های آغازین اسلامی به تألیفات مسلمانان راه یافت. در متون اسلامی، عوج به‌عنوان یک کافر معرفی شده که مقابل پیغمبران الهی ایستاد و بنابراین نمادی از دشمن دین راستین در طول تاریخ است. بلندای او به قدری بود که ماهی دریا را می‌گرفت و در برابر آفتاب بریان می‌کرد. در زمان نوح<sup>(ع)</sup>، آب سیل تا زانوی او بالا آمد و در نهایت با ضربه‌ای که موسی<sup>(ع)</sup> با عصایش به قوزک پای او زد، هلاک شد. افسانه عوج مورد استقبال گسترده نگارگران ایرانی در سده‌های میانی قرار گرفت. صحنه نبرد موسی<sup>(ع)</sup> با عوج در کتب تاریخی، قصص الانبیاء، عجائب المخلوقات و فالنامه‌ها مصور شده است. این پژوهش به دنبال بررسی ریشه‌ها و سیر تکامل افسانه عوج در فرهنگ اسلامی است و همچنین به تحلیل روند تکامل بازنمایی عوج در هنر سده‌های میانی ایران می‌پردازد. یافته‌ها حاکی از آن است که منشأ این افسانه را باید در تلمود و نه کتاب مقدس جستجو کرد. اگرچه قدیمی‌ترین نگاره شناخته شده از عوج در هنر ایران به سده هفتم هجری قمری برمی‌گردد، اما مهم‌ترین دوره در تثبیت تصویر عوج، دوره جلایری است.

کلیدواژه‌ها: عوج بن عنق، اسرئیلیات، موسی<sup>(ع)</sup>، قصص الانبیاء، نقاشی ایران

۱. استادیار گروه مطالعات عالی هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

## مقدمه

در اوان ظهور اسلام و نزول قرآن، مسلمانان با قصص و مفاهیمی روبرو شدند که برخی از آن‌ها در کتب دینی یهودیان و مسیحیان مطرح شده بود. از یکسو ایجاز و اختصار قرآن و از سوی دیگر کنجکاوی مسلمانان سبب شد تا برای توضیح و تفصیل برخی مفاهیم و داستان‌ها درصدد جستجو در منابع پیشینیان برآیند. همین نکته باعث شد تا حجم قابل‌توجهی از مطالب غیرواقعی و حتی افسانه‌ها به داستان‌های پیامبران راه یابد. یکی از این مطالب، داستان عوج است که در ذیل تاریخ زندگانی نوح<sup>(ع)</sup> و موسی<sup>(ع)</sup> توسط مورخان و مفسران مسلمان نقل شده است. عوج شخصیتی در کتاب عهد عتیق و نیز تلمود است که در زمان پیامبرانی همچون نوح<sup>(ع)</sup> و ابراهیم<sup>(ع)</sup> می‌زیسته و در نهایت توسط موسی<sup>(ع)</sup> کشته شده است. او در متون یهودی اعصار گوناگون گاهی ابعاد انسانی و گاهی ابعاد هیولایی داشته است.<sup>۱</sup> در زمان نوح<sup>(ع)</sup>، آب سیل تا زانو و به قولی تا قوزک پای او بالا آمده بود. به هنگام گرسنگی دست در دریا می‌کرد و یک ماهی می‌گرفت و آن را در برابر آفتاب بریان می‌کرد و می‌خورد. بر اساس بعضی روایات، او همچنین غلام ابراهیم<sup>(ع)</sup> بوده است. در زمان موسی<sup>(ع)</sup>، کوهی را به اندازه سپاه بنی‌اسرائیل از زمین کنده بود تا بر آن‌ها بیندازد و آن‌ها را نابود کند. هنگامی که کوه را بر روی سر نگه داشته بود، کوه بر دور گردن او می‌افتد و موسی<sup>(ع)</sup> با ضربه‌ای که به قوزک پای او می‌زند، هلاک می‌شود.

## پیشینه پژوهش

یوزف گوتمن، محقق یهودی آلمانی و ورا باش مورین، محقق اسلام و یهودیت، مقاله‌ای مشترک در مورد نبرد موسی<sup>(ع)</sup> و عوج در نقاشی مسلمانان نوشته‌اند (Gutmann and Moreen, 1987). دو سال بعد، گوتمن مقاله مختصر دیگری در مورد عوج در هنر اسلامی منتشر کرد (Gutmann, 1989). در این مقالات، تعدادی از تصاویر عوج در هنر ایران، هند و عثمانی گردآوری شده و برای اولین بار، بازتاب عوج در هنر اسلامی مورد بررسی قرار گرفت. از آنجاکه دو مقاله مذکور تنها برخی از نگاره‌های شناخته‌شده را بررسی کرده‌اند، در تبیین روند تکامل بازنمایی عوج در هنر ایران، ناکام مانده‌اند. پس از آن، دیگر به این موضوع پرداخته نشده است، مگر به صورت پراکنده و جزئی. در حوزه متن، تاکنون بررسی جامعی در مورد ریشه‌ها و سیر تکامل افسانه عوج در فرهنگ اسلامی صورت نگرفته است. به‌طور مشابه، روند تحول و تکامل بازنمایی عوج در هنر ایران بررسی نشده است. بنابراین، سؤالات اصلی این تحقیق هر دو حوزه متن و تصویر را در برمی‌گیرد. شایان‌ذکر است که برخی از تصاویر این مقاله، برای اولین بار منتشر می‌شوند.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر ابتدا در حوزه متن به معرفی عوج بر اساس متون یهودی پرداخته و تفاوت توصیف‌های ارائه‌شده از او در کتاب عهد عتیق و تلمود را آشکار می‌سازد. در

۱. برای مطالعه و تطبیق شخصیت عوج در کتاب عهد عتیق، دوره‌های تنائیم (Tannaim) و آمورائیم (Amoraim) و قرون وسطی، نک: (Kosman, 2002).

ادامه افسانهٔ عوج در متون اسلامی در دو گروه تاریخ‌نگاران و قصص‌الانبیاء نویسان بررسی می‌شود. سپس بر اساس تسلسل تاریخی، تصاویر شناخته‌شده از عوج در هنر سدهٔ هفتم تا دهم هجری قمری مورد بحث قرار می‌گیرند. جامعهٔ آماری این پژوهش، تصاویری را شامل می‌شود که با مطالعهٔ میدانی در موزه‌های کشورهای غربی بر نگارنده شناخته شده بوده و یا در آثار محققان منتشر شده‌اند. از آنجاکه هنر پیش از دورهٔ صفوی نقش مهم‌تری در تثبیت و تکامل تصاویر عوج داشته است، تمام نقاشی‌های شناخته‌شده از این دوران در این پژوهش منتشر می‌شود. از هنر سدهٔ دهم هجری قمری نیز پنج نقاشی انتخاب شده که ویژگی‌های عوج در نگارگری این دوره را بر ما بشناساند.

### عوج در متون یهودی

بر اساس کتاب عهد عتیق، عوج پادشاه مردم سامی‌زبان «اموری» در سرزمین باشان بود که توسط موسی<sup>(ع)</sup> در ادرعی کشته شد. در چند موضع از کتاب عهد عتیق (در کتاب‌های اعداد، تثنیه، یوشع، اول پادشاهان، نحیمیا و مزامیر) به عوج اشاره شده است. عوج بر شصت شهر با دیوارهای بلند و تعداد زیادی شهر بدون حصار حکومت می‌کرد (Deuteronomy 3:5). در کتاب اعداد در مورد او چنین آمده است: «سپس بنی‌اسرائیل بازگشتند و راهی را که به باشان منتهی می‌شد در پیش گرفتند. اما عوج، پادشاه باشان، برای جنگ با آن‌ها، با سپاه خود به ادرعی آمد. خداوند به موسی فرمود: ترس، زیرا دشمن را به دست تو تسلیم کرده‌ام. همان بلایی به سر عوج پادشاه می‌آید که در حبشون به سر سیحون، پادشاه اموریها آمد. پس قوم اسرائیل عوج پادشاه را همراه با پسرانش و اهالی سرزمینش کشتند، به طوری که یکی از آن‌ها هم زنده نماند» (Numbers 21:33-35). در توصیف قدرت و بزرگی قوم عوج در کتاب عاموس آمده است: «ای اسرائیل، من به خاطر شما اموری‌ها را که همچون درختان سرو، بلندقد و مانند درختان بلوط قوی بودند، به کلی از میان بردم» (Amos 2:9). در کتاب یوشع، عوج از بازماندگان قوم رفائی<sup>۱</sup> معرفی شده است (Joshua 12:4). رفائی، واژه‌ای عبری به معنای آدم گول‌پیکر است. تخت خواب او که از جنس آهن بوده، ابعادی در حدود چهار متر در دو متر (نه ذراع در چهار ذراع) داشته است (Deuteronomy 3:11). بر اساس توصیف‌هایی که کتاب عهد عتیق از ابعاد فیزیکی عوج ارائه داده است، می‌توان چنین برداشت کرد که عوج جثه‌ای در حدود دو برابر یک انسان معمولی داشته است (Kosman, 2002: 162).

با این حال، در تلمود که در حقیقت تفسیر خاخام‌های یهودی بر تورات است، عوج ابعاد هیولایی پیدا می‌کند. به عنوان نمونه، در توصیف صحنهٔ کشته شدن عوج، می‌توان تصویری از ابعاد هیولایی او به دست آورد: «دربارهٔ صخره‌ای که عوج، پادشاه باشان می‌خواست تا بر سر اسرائیل بیندازد، هیچ اشاره‌ای در کتاب عهد عتیق نیامده است. اما گمارا<sup>۲</sup> نقل می‌کند که عوج گفت: بزرگی لشکر اسرائیل چقدر است؟ سه فرسنگ است. من می‌روم و کوهی که به بزرگی سه فرسنگ است را از جا بلند می‌کنم و آن را بر روی

1. Rephaim

2. Gemara

آن‌ها می‌اندازم و آن‌ها را می‌کشم. او رفت و کوهی به بزرگی سه فرسنگ از جا کند و آن را بر روی سرش گذاشت. خداوند ملخ‌ها را بر روی آن [کوه] آورد و آن‌ها قله آن کوه را سوراخ کردند و آن به دور گردنش افتاد. عوج می‌خواست که آن را از سرش جدا کند اما نمی‌توانست. [...] قد موسی چقدر بود؟ بلندی او ده ذراع بود. او یک تبر به بلندی ده ذراع برداشت و ده ذراع به بالا پدید و به قوزک پای عوج ضربه زد و او را کشت» (تلمود: رساله ۵۴ب).<sup>۱</sup> تلمود توصیف‌های دیگری نیز از عوج در اختیار ما می‌گذارد. بر اساس روایتی، عوج در زمان نوح<sup>ک</sup> از بین نرفت چون آب سیل به حد قوزک پای او بالا آمده بود. روایتی دیگر می‌گوید که او به فلسطین گریخت که سیلی در آنجا نبود. بر اساس روایت سوم، او روی پله نردبان در بیرون از کشتی نشست و غذایش را از طریق سوراخی در پهلوی کشتی دریافت می‌کرد (Hirsch et al., 1906: 388).

### افسانه عوج در متون اسلامی

در قرآن هیچ اشاره‌ای به عوج نشده است، اما تاریخ‌نگاران و مؤلفان کتب قصص‌الانبیاء داستان عوج را با مضمونی تقریباً یکسان با روایات تلمود در ذیل تفسیر آیات ۲۱ تا ۲۶ سوره مائده آورده‌اند. متن این آیات به ترجمه محمد مهدی فولادوند بدین شرح است: «ای قوم من به سرزمین مقدسی که خداوند برای شما مقرر داشته است، درآیید و به عقب بازگردید که زیانکار خواهید شد (۲۱). گفتند ای موسی در آنجا مردمی زورمندند و تا آنان از آنجا بیرون نروند ما هرگز وارد آن نمی‌شویم. پس اگر از آنجا بیرون بروند، ما وارد خواهیم شد (۲۲). دو مرد از [زمره] کسانی که [از خدا] می‌ترسیدند و خدا به آنان نعمت داده بود گفتند از آن دروازه بر ایشان [بتازید و] وارد شوید که اگر از آن درآیدید قطعاً پیروز خواهید شد و اگر مؤمنید به خدا توکل کنید (۲۳). گفتند ای موسی تا وقتی آنان در آن [شهر]ند ما هرگز پای در آن ننهیم. تو و پروردگارت برو [ید] و جنگ کنید که ما همین‌جا می‌نشینیم (۲۴). [موسی] گفت پروردگارا من جز اختیار شخص خود و برادرم را ندارم؛ پس میان ما و میان این قوم نافرمان جدایی بینداز (۲۵). [خدا به موسی] فرمود [ورود به] آن [سرزمین] چهل سال بر ایشان حرام شد [که] در بیابان سرگردان خواهند بود؛ پس تو بر گروه نافرمانان اندوه مخور (۲۶)» (سوره مائده: ۲۱-۲۶). بازتاب گسترده افسانه هیولای عظیم‌الجثه‌ای به نام عوج در کتب قصص‌الانبیاء به مقوله‌ای به نام «اسرائیلیات» برمی‌گردد. اسرائیلیات اصطلاحی در معارف اسلامی، به خصوص در زمینه تفسیر و علوم حدیث است که ناظر به روایات و داستان‌هایی است که نه در قرآن و احادیث نبوی، بلکه در تعالیم امت‌های پیشین به‌ویژه بنی‌اسرائیل ریشه دارند (حاج‌منوچهری، ۱۳۷۷: ۲۹۰). بروز و رواج اسرائیلیات بیشتر در ذیل داستان‌های پیغمبران بوده است. در صدر اسلام، این تعالیم غیر اصیل، اغلب توسط یهودیان اسلام آورده به حاشیه آموزه‌های مسلمانان راه‌یافته است. احتمالاً وهب بن منبه (متوفی: ۱۱۴ق.) اولین کسی بود که در مورد اسرائیلیات مطلب نوشته است (همانجا: ۱۹۵؛ Tottoli, 1999: xvii؛ Brinner, 2002).

1. Talmud Bavli: Berachot 54b. <https://www.sefaria.org/Berachot.54b?lang=bi> (accessed 8 May 2020)

با این حال، اولین نمونه کاربرد صریح واژه اسرائیلیات به مروج الذهب مسعودی (متوفی: ۳۴۵ق.) در سده چهارم هجری قمری برمی‌گردد که در صحت این نوع روایات تردید ایجاد می‌کند (مسعودی، ۱۳۸۵: ۲/۲۱۶). در سده سوم هجری قمری، اسرائیلیات در نزد نویسندگان مسلمان اعتبار خود را از دست داد و برخی بر این باور بودند که این روایات تحریف شده از کینه‌توزی یهودیان نسبت به برتری سیاسی اسلام ناشی می‌شود (Firestone, 1990: 13; حاج‌منوچهری، ۱۳۷۷: ۲۹۲). آنچه در سده سوم هجری قمری سبب شد تا محمد بن جریر طبری (متوفی: ۳۱۰ق.) روایات زیادی از اسرائیلیات در کتاب تاریخ الرسل و الملوک بیاورد، حضور آن‌ها در کتب تفسیری و تاریخی سده‌های گذشته بود. داستان عوج در تاریخ طبری با فرمان خدا به موسی<sup>(ع)</sup> برای فتح اریحا آغاز می‌شود. موسی<sup>(ع)</sup> دوازده سالار از اسباط بنی‌اسرائیل برای خبر گرفتن از «جباران» گسیل داشت: «یکی از جباران که عوج نام داشت آن‌ها را بدید و هر دوازده تن را بگرفت و در لیفه خود نهاد و بار هیزمی به سر داشت و آن‌ها را پیش زن خود برد و گفت: این قوم را ببین که می‌خواهند با ما جنگ کنند و همه را پیش روی او ریخت و گفت: همه را با پایم له کنم؟ زنش گفت: نه بگذار بروند و آنچه دیده‌اند با قوم خویش بگویند. و عوج چنین کرد. و چون قوم بیرون آمدند با همدیگر گفتند که اگر به بنی‌اسرائیل بگوییم از پیمبر خدا برمی‌گردند، خبر را نماند و فقط به دو پیمبر خدا بگویید تا بنگرند چه باید کرد. [...] و چون بازگشتند ده کس از آن گروه پیمان بشکستند و آنچه را از عوج دیده بودند با کسان خود گفتند» (طبری، ۱۳۷۵: ۱/۳۴۰). سپس طبری آیات سوره مائده را ذکر کرده و حکایت سرپیچی بنی‌اسرائیل، نفرین موسی<sup>(ع)</sup> و سرگردانی آنان به مدت چهار سال در بیابان تیه را آورده است. در نهایت، حکایت مبارزه موسی<sup>(ع)</sup> با عوج را چنین نقل کرده است: «از نوف روایت کرده‌اند که قامت عوج هشتصد ذراع بود و قامت موسی ده ذراع بود و عصایش ده ذراع بود و ده ذراع بالا جست و عوج را بزد و به قوزک او رسید که بیفتاد و بمرد و پلی شد که مردم از روی آن می‌گذشتند. از ابن‌عباس روایت کرده‌اند که گفت جثه عوج پل مردم نیل بود. گویند عوج سه هزار سال بزیست» (همان، ۳۴۳).

در ۳۵۲ق. به درخواست منصور بن نوح سامانی (حک. ۳۵۰-۳۶۵ق.) تاریخ طبری توسط ابوعلی محمد بن محمد بلعمی (متوفی: ۳۶۳ق.) از عربی به فارسی ترجمه شد (Dunlop, 1986: 984). او روایات متعددی که واقعاً و سلسله اسناد در متن تاریخ طبری را حذف کرد و متنی کوتاه‌تر و روان‌تر ارائه داد. بلعمی در روند ترجمه، اطلاعات بیشتری نیز بدان افزوده و گاهی به تفسیر یا نقد تاریخ طبری پرداخت. مثلاً پس از ذکر روایاتی در مورد نحوه مرگ موسی<sup>(ع)</sup> نوشته است: «و این هر سه حدیث خرافات است و نه از در آن است که اندرین کتاب روایت کنند و خداوندان عقل این حدیث‌ها نپذیرند» (بلعمی، ۱۳۵۲: ۵۰۵-۵۰۶). در مقایسه با طبری، بلعمی علاقه بیشتری به قصص الانبیاء نشان داده و با تفصیل بیشتر به ذکر وقایع پرداخته است (Ghiasian, 2018a: 53; Peacock, 2007: 76-85). به عنوان مثال، بلعمی نام عوج را «عوج بن عناق» ذکر کرده و نوشته است: «این عوج را چندانی بالا بود که به لب دریا بایستادی و دست به قعر دریا فرو کردی و هر

ماهی که خواستی بگرفتی و برکشیدی و آن به گرمای آفتاب بریان کردی و بخوردی» (بلعمی، ۱۳۵۳: ۴۹۱). همچنین، در توصیف او گفته که دوازده نقیب بنی اسرائیل عوج را بدیدند که «گفتی سر به آسمان رسیده است» و «عوج چون ایشان بدید به چشم وی چون مورچه آمدند» (همان: ۴۹۳). در دهه اول سده هجری قمری، رشیدالدین فضل‌الله (متوفی: ۷۱۸ق.) در جامع‌التواریخ نمونه بسیار مختصری از داستان عوج را بر اساس تاریخ طبری نقل کرده است، اما در آغاز سده نهم هجری قمری، حافظ ابرو (متوفی: ۸۳۳ق.) در مقایسه با مورخان پیش از خود، روایت بسیار مفصل‌تری از عوج را در مجمع‌التواریخ ذکر کرده است. او عوج را نوۀ آدم معرفی و نوشته است: «بعد از شیث علیه‌السلام آدم را دختری آمد اعناق نام کرد. و در بزرگی چندان شد که چون بنشستی یک جفت گاو زمین بگرفتی و هر انگشت او سه ارش درازی داشت و هر ناخنی مانند داسی که غله دروند. و نخستین کسی از فرزندان آدم که در روی زمین زنا کرد او بود و او را از حرام فرزندی متولد شد عوج نام کرد. و از سبب بدکاری ایزد تعالی بر اعناق خشم گرفت: هر شیری برابر فیلی و هر کرکسی برابر شتری بر وی گماشت تا او را هلاک کردند» (رشیدالدین و حافظ ابرو، ۱۳۹۸: ۶۱/۱).

لازم به ذکر است که ریشه «عناق» یا «عناق» در متون اسلامی احتمالاً به عنک (Anak) در متون یهودی برمی‌گردد که نام مؤسس شهر حبرون در فلسطین بود و بعدها به مردان عظیم‌الجثه‌ای که در حبرون و حوالی آن زندگی می‌کردند، عنک گفته می‌شد (Kosman, 2002: 159). حافظ ابرو صحنه نبرد موسی<sup>(ع)</sup> با عوج را نیز با جزئیات زیاد توصیف کرده که نقل بخش‌هایی از آن در این مجال به فهم ما در تحلیل تصاویر عوج در هنر ایران کمک شایانی می‌کند: «عوج شخصی بود که با آن زور و قوت بر کس زیادتی نکردی و در شهر اریحا می‌بود و در آنجا دوازده هزار دکان طباحی بود. هرروز عوج یک پشتوار هیزم آوردی که هر دوازده هزار طباح را بس بودی. و هر طباحی یک گرده یک‌منی او را دادی دوازده هزار گرده بخوردی و هنوز سیر نشدی. اهل اریحا [...] عوج را بخواندند و گفتند اگر تو چنین کوهی بر اندازه لشکر موسی ببری و بر ایشان زنی تا هلاک شوند، ما ترا هرروز نان سیر دهیم و هر سال دو دست جامه. قبول کردند و او بر کوهی بلند رفت و نظر کرد به لشکر موسی و قیاس گرفت. بر اندازه لشکرگاه فرسنگی در فرسنگی و کوهی بدان مقدار از زمین جدا کرد. [...] و موسی چون نزدیک شارستان رسید، عوج آن سنگ را که بریده بود، بر سر گرفت و خواست که محل شب بودن ایشان تحقیق کند و آن کوه‌پاره بر ایشان افکند. ایزد تعالی ضعیف‌ترین مرغان سنگ اشکنک را بفرستاد تا مقداری الماس در منقار گرفت و برابر سر عوج بر آن کوه‌پاره نشست و حق تعالی آن موضع را نرم گردانید و او را قوت داد تا آن سنگ را سوراخ کرد. و آن کوه در گردن عوج افتاد و هر حيله که کرد از سر و گردن خود جدا نتوانست کرد. و چون حق تعالی موسی را آگاه کرد تا موسی علیه‌السلام عصا برگرفت و هارون و بعضی از بنی اسرائیل که با ایشان بودند بسوی عوج رفتند. و چنین گویند که موسی علیه‌السلام را دوازده ارش بالا بود و دوازده ارش درازی عصا و به قولی ده ارش و به قولی چهل ارش و همچنین که بالای موسی بود، همان مقدار دیگر برجست تا سر

عصا به شتالنگ عوج رسید و عوج را بیفکند. و جمله بنی اسرائیلیان که با او بودند، عوج را هلاک کردند. و چند سال که بنی اسرائیلیان در تیه بودند، عوج در آن بیابان افکنده بود تا گوشت و پوست او بریخت و استخوان‌ها سفید گشت. چون یوشع بن نون بعد از چهل سال بیامد و سپاه آورد و آن شهرستان‌ها بگشاد و به مصر باز شد، استخوان ساق عوج را به مصر آورد، بر رود نیل پل کرد. و پهنای رود نیل از میلی زیاده گویند. و در قصص آورده‌اند که هر شب چند هزار گوسفند در کاسه سر عوج بختندی تا از ددگان ایمن باشند» (رشیدالدین و حافظ ابرو، ۱۳۹۸: ۶۱/۱-۶۲-ر).

ناگفته نماند که در میان مورخان و مؤلفان مسلمان، کسانی بودند که این افسانه‌ها را غیرواقعی می‌دانستند. مثلاً عبدالرحمن بن محمد ابن‌خلدون (متوفی: ۸۰۸ق.) در کتاب مقدمه خود داستان عوج را پندار باطلی دانسته که افسانه‌سازان بدان شایسته هستند. او می‌نویسد: «پنداشته‌اند که عوج آنچنان درازقد بوده که ماهی را با دست خویش از دریا برمی‌داشته و آن را در برابر خورشید بریان می‌کرده است. و بدین‌سان گذشته از نادانی آنان به احوال بشر، جهل خود را به وضع ستارگان نیز آشکار ساخته‌اند» (ابن‌خلدون، ۱۳۸۲: ۳۳۸/۱). ماجرای عوج در کتب قصص‌الانبیاء نیز بازتاب گسترده داشته و گاهی یک عنوان مجزا در کتاب‌ها به خود اختصاص داده است. در سده چهارم هجری قمری، محمد بن عبدالله الکسائی در کتاب قصص‌الانبیاء که به زبان عربی نوشته، عوج را فرزند قابیل و خواهرش عناق دانسته است. او نقل کرده که هنگامی که عوج راه می‌رفت، زمین می‌لرزید و وقتی که گریه می‌کرد از چشمان او سیل جاری می‌شد. در روز یکبار غذا می‌خورد و در هر وعده دو فیل عظیم را می‌خورد. دو بار در سال می‌خوابید: یکی در تابستان و یکی در زمستان. همچنین او با حَمَلِ الْوِاحِ، به نوح<sup>(ع)</sup> در ساخت کشتی یاری رساند (الکسائی، ۱۹۲۲: ۲۳۴-۲۳۳). در سده پنجم هجری قمری، ابواسحاق احمد بن محمد بن ابراهیم الثعلبی النیسابوری الشافعی (متوفی: ۴۲۷ق.) معروف به ثعلبی نیز در عرایس المجالس فی قصص‌الانبیاء جزئیات دیگری از عوج در ذیل داستان نوح<sup>(ع)</sup> آورده است. او نقل کرده که به‌جز افرادی که سوار کشتی بوده‌اند و عوج بن عنق هیچ موجود زنده‌ای به‌جا نماند؛ چراکه آب سیل تا زانوی او بود. عوج با قد بلندش می‌توانست از ابرها آب بنوشد و از اعماق دریاها نهنگ بگیرد و در برابر خورشید بریان کند. جالب اینکه در متن ثعلبی، عوج با وجود دارا بودن چنین ابعادی، از نوح<sup>(ع)</sup> تقاضا کرد تا اجازه دهد به کشتی سوار شود، اما نوح<sup>(ع)</sup> او را دشمن خدا خواند و بدو اجازه نداد (Tha'labī, 2002: 99-100). ثعلبی در توصیف صحنه نبرد موسی<sup>(ع)</sup> و عوج نیز نقل کرده که خدا هدهد را فرستاد تا صخره بالای سر عوج را سوراخ کرد. او همچنین افزوده است که پس از کشته شدن عوج توسط موسی<sup>(ع)</sup>، جمعیت کثیری با خنجرهایشان به او نزدیک شدند و سرش را از بدن جدا کردند. دیگر اینکه او بر روی رود نیل افتاد و یک سال مسیر آن را مسدود کرد (Ibid: 400). البته افسانه عوج نزد برخی از نویسندگان قصص‌الانبیاء با انکار مواجه شده است. به‌عنوان مثال، حدوداً یک نسل پس از بلعمی، ابواسحاق ابراهیم بن منصور بن خلف النیسابوری داستان عوج را دروغین خوانده است (النیسابوری، ۱۳۸۲: ۲۰۶).

### نمونه‌های تصویری قبل از سده نهم هجری قمری

قدیمی‌ترین تصویر عوج در هنر ایران که بر نگارنده شناخته شده، در نسخه‌ای از عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات زکریا بن محمد قزوینی (متوفی: ۶۸۲ق.) است. این نسخه در چهاردهم شوال ۶۷۸ق. توسط محمد بن محمد بن علی دمشقی در واسط عراق کتابت شده و امروزه در کتابخانه دولتی باواریا در مونیخ<sup>۱</sup> (شماره: MS Arab 464) محفوظ است<sup>۲</sup>. این نقاشی که به شدت آسیب دیده است، عوج را به صورت مردی با ریش و موهای سیاه و بلند، درحالی که به سمت چپ قدم برمی‌دارد و یک شلوارک نیلگون پوشیده، ترسیم کرده است (تصویر ۱). دومین نقاشی تاریخ‌دار که می‌توان معرفی نمود، در نسخه عربی جامع التواریخ محفوظ در کتابخانه دانشگاه ادینبرو (شماره: Or.MS 20) یافت می‌شود (تصویر ۲)<sup>۳</sup>. این کتاب در ۷۱۴ق. در ربع رشیدی برای خود مؤلف استنساخ شده است. این نقاشی با ترکیب‌بندی کوچک مربعی‌اش در میان فضای نوشتار جاسازی شده است. در سمت راست، موسی<sup>۴</sup> با عصایی که نوک اژدهاشکل دارد، بر روی یک صخره ایستاده است. او با دست چپ به سمت پیکر واژگون عوج عظیم‌الجثه که بخش اعظم فضای تصویر را اشغال کرده، اشاره می‌کند. همانند نقاشی پیشین در عجائب المخلوقات، عوج به صورت ریش‌دار با شلوارک نیلگون و کمر بند قرمز تجسم شده، اما در اینجا قوزک پایش را با دستانش محکم گرفته است. پیکر درهم‌تنیده‌اش توسط کوهی که از جا بلند کرده بود، احاطه شده است. ربع قرص خورشید با اشعه‌هایش در گوشه بالایی سمت چپ قاب، حاکی از تلاش هنرمند در جهت نمایاندن قدبلند عوج در مقایسه با ارتفاع خورشید است. این خورشید که احتمالاً اینجا برای اولین بار وارد فضای تصویر شده، در برخی از نقاشی‌های متأخر تکرار خواهد شد.



- راست: تصویر ۱: عوج، برگی از عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات، زکریا بن محمد قزوینی، ۶۷۸ق، واسط عراق، اندازه برگ: ۲۰۵×۳۰۵ میلی‌متر، کتابخانه دولتی باواریا (شماره: MS Arab 464, fol. 210a)
- چپ: تصویر ۲: موسی<sup>۴</sup> و عوج، برگی از جامع التواریخ رشیدالدین، ۷۱۴ق، تبریز، اندازه برگ: ۴۵۱×۳۴۲ میلی‌متر، کتابخانه دانشگاه ادینبرو (شماره: Or.MS 20, fol. 9b)

#### 1. Die Bayerische Staatsbibliothek (BSB) in München

۲. برای تحقیق در مورد این نسخه، نک: (Rebhan, 2010: 62-65).

۳. برای نسخه محفوظ در دانشگاه ادینبرو و چاپ تمام نگاره‌های آن، نک: (Rice, 1976).



تصویر دیگری از عوج متعلق به اوایل سده هشتم هجری قمری در تاریخ بلعمی محفوظ در گالری هنر فریر (شماره: F57.16) در واشنگتن مشهود است (تصویر ۳).<sup>۱</sup> این ترکیب‌بندی به صورت پله‌ای و به شکل حرف L در گوشه پایینی سمت چپ فضای نوشتار طراحی شده است. عوج به صورت نیمه عریان بازنمایی شده و تنها پوشش او شلوارکی بسیار کوتاه است. چهره عوج توسط یکی از مالکان نسخه از بین رفته و بعدها با خطوط ساده سیاه‌رنگ، محدوده سر و صورت او را طراحی کرده‌اند. بخشی از قرص خورشید در بالای سر عوج خودنمایی می‌کند. در پایین تصویر، موسی<sup>(ع)</sup> با عصایی که سر آن‌دها گونه دارد به قوزک پای عوج ضربه می‌زند و در پشت سرش، برادرش هارون ایستاده است. پس‌زمینه قرمز رنگ مزین به نقوش گیاهی، یادآور سنت قدیم نقاشی ایران در دوره سلجوقی است. نبرد موسی<sup>(ع)</sup> و عوج در کتابخانه سلطان احمد جلایر (حک. ۷۸۴-۸۱۳ق.) نیز مصور شده است. این تصویر در نسخه‌ای از عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات محمد بن محمد بن احمد طوسی سلمانی موجود است. این نسخه در ربیع‌الاول ۷۹۰ق. در بغداد برای سلطان احمد کتابت شد و اکنون در کتابخانه ملی فرانسه (شماره: Suppl. pers. 332) نگهداری می‌شود. ترکیب‌بندی به صورت تمام‌صفحه‌ای طراحی و کتیبه‌ای از متن به صورت عمودی در گوشه بالا سمت راست قرار دارد (تصویر ۴). در سمت چپ، عوج بر روی یک پا ایستاده و سر و گردنش در میان یک صخره عظیم بیضی‌شکل گیر افتاده است. او با دو دستش صخره را گرفته و در حال تلاش برای رها کردن خود از میان آن است. او به شکل مردی تاس با ریش سیاه ترسیم‌شده که یک دامن کوتاه نیلگون با کمر بند قرمز پوشیده است. در پایین تصویر، موسی<sup>(ع)</sup> با ردایی سبز و هاله تقدس شعله‌سان در حال پرش برای ضربه زدن به عوج با عصایش است. این نقاشی اهمیت زیادی در تثبیت نحوه ترسیم عوج در نقاشی ایران و عثمانی دارد. در اینجا برای اولین بار عوج به صورت مردی که دامن کوتاه پوشیده و صخره‌ای بیضی‌شکل در اطراف گردن دارد تجسم شده است و همان‌طور که در ادامه بحث خواهد شد، این نوع سازماندهی تصویری به‌طور مکرر در نقاشی ایران در سده‌های بعد به کار گرفته شده است. البته شایان‌ذکر است که ارائه چنین تصویری از عوج یادآور سنت بازنمایی دیوها در هنر آسیای میانه است. به‌عنوان مثال، می‌توان به تشابه میان تصویر عوج و دیو ترسیم‌شده توسط محمد سیاه‌قلم که هر دو تقریباً هم‌عصر هستند، اشاره کرد (تصویر ۵). اثر منسوب به سیاه‌قلم، دیوی را می‌نمایاند که دامن کوتاه نیلگونی به تن دارد و یک پای خود را بلند کرده است.

۱. برای پژوهش مفصل در مورد این نسخه، نک: (Fitzherbert, 2001).



راست: تصویر ۳: موسی<sup>(ع)</sup> و هارون در نبرد با عوج. برگی از تاریخ بلعمی، آغاز سده هفتم هجری قمری، اندازه فضای نوشتار: ۲۷×۱۷ سانتی متر، گالری هنر فریر (شماره: F57.16, fol. 68b)، واشنگتن (URL 1).

چپ: تصویر ۴: نبرد موسی<sup>(ع)</sup> و عوج. برگی از عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات، محمد بن محمد بن احمد طوسی سلمانی، ۷۹۰ق، بغداد، اندازه کاغذ: ۳۲۰×۲۳۰ میلی متر، کتابخانه ملی فرانسه (شماره: Suppl. pers. 33, fol. 199a)، پاریس (Richard, 1997: 71).

آخرین نمونه‌ای که می‌توان از هنر سده هفتم هجری قمری مثال زد، یک نقاشی مربوط به دوره جلایریان در نسخه‌ای از جامع التواریخ محفوظ در کتابخانه کاخ توپکاپی (شماره: H. 1654) است (تصویر ۶). این نسخه در ۷۱۷ق. در ربع رشیدی کتابت شده، اما نقاشی‌های آن ناتمام و فضاهای در نظر گرفته برای نقاشی در آن خالی مانده است. به احتمال قوی، در دهه آخر قرن هشتم هجری قمری، این فضاهای خالی با نقاشی‌های خام‌دستانه‌ای پوشیده شده است (Ghiasian, 2018b: 401-2). یکی از این نقاشی‌ها موسی<sup>(ع)</sup> و عوج را نشان می‌دهد. از آنجاکه قاب تصویر بسیار باریک و افقی بوده است، نقاش تصمیم گرفته تا برای نمایش بزرگی عوج، عمود بر محور نوشتار کار کند. تفاوت مهمی که این اثر با سایر تصاویر عوج در هنر ایران دارد، این است که او در اینجا به صورت کاملاً پوشیده با ردایی بلند، کفش و کلاه طراحی شده است. او در حالی که دست چپش را به کمر بند خود گرفته، در میان ترکیب‌بندی ایستاده است. موسی<sup>(ع)</sup> با پیکری بسیار کوچک در گوشه پایینی تصویر عصایش را به قوزک پای عوج زده، به طوری که از آن خون جاری شده است.



راست: تصویر ۵: دیو رقصنده. منسوب به محمد سیاه‌قلم، قرن هشتم هجری قمری، اندازه برگ: ۲۰۷×۲۰۵ میلی‌متر، حراجی کریستی لندن، ۲۶ اکتبر ۲۰۱۷، رقم ۷۶، (مأخذ: کاتالوگ حراجی).  
چپ: تصویر ۶: نبرد موسی<sup>(ع)</sup> و عوج. برگ ۱۳ از نسخه‌ای از جامع‌التواریخ رشیدالدین فضل‌الله، ۷۱۷ق، تبریز، اندازه برگ: ۳۲۸×۵۵۷ میلی‌متر، کتابخانه کاخ توپکاپی (شماره: H. 1654).

### نمونه‌های تصویری دوره‌های تیموری و صفوی

علاقه هنرمندان دوره تیموری به ترسیم عوج از آنجا آشکار می‌شود که آنان تصویر او را به صحنه کشتی نوح<sup>(ع)</sup> افزودند. به‌عنوان نمونه، هنرمندان دربار اسکندر ابن عمر شیخ (متوفی: ۸۱۸ق.) در شیراز، عوج را در کنار کشتی نوح<sup>(ع)</sup>، درحالی‌که یک ماهی بزرگ در دست دارد، ترسیم کرده‌اند (تصویر ۷). این نگاره در بخش تاریخ گزیده حمدالله مستوفی (متوفی: ۷۵۰ق.) از جنگ یا گلچینی قرار دارد که در ۸۱۳ق. برای اسکندر کتابت شده است.<sup>۱</sup> جالب اینکه در متن اشاره‌ای به عوج نشده، اما هنرمند که این داستان را می‌دانسته آن را ترسیم کرده است. در سمت چپ این نگاره تمام‌صفحه‌ای، نوح<sup>(ع)</sup> و خانواده‌اش و حیوانات سوار بر کشتی ترسیم شده‌اند. در بالای تصویر، گروهی از کافران، از جمله پسر نوح<sup>(ع)</sup>، با حالت مضطرب بر فراز کوهی در حال نظاره هستند. نوح<sup>(ع)</sup> با دست چپش به سوی عوج غول‌پیکر که در سمت راست تصویر ایستاده، اشاره می‌کند. در اینجا عوج بدون ریش، با سبیل بلند، دامن کوتاه لاجوردین و درحالی‌که یک ماهی بزرگ در دست دارد، نمایانده شده است. به جز قلعه کوه، مابقی فضای تصویر با رنگ نقره‌ای که اکنون اکسید و سیاه‌رنگ شده، پوشش یافته است. در ۸۱۷ق. شاه‌رخ (حک. ۸۰۷-۸۵۰ق.) برای سرکوب اسکندر وارد اصفهان شد و او را از حکومت خلع کرد (Soucek, 1998: 603; آژند، ۱۳۸۷: ۱۶۶). پس از آن واقعه، هنرمندان دربار اسکندر و نسخ خطی تولیدشده برای او به هرات منتقل شدند. یکی از کتاب‌هایی که توسط هنرمندان اسکندر در هرات کار شد، نسخه‌ای موسوم به کلیات تاریخی حافظ ابرو است که امروزه در کتابخانه کاخ توپکاپی (شماره: B. 282) نگهداری می‌شود.<sup>۲</sup> این نسخه سترگ ۹۳۸ برگی با ۲۰ نقاشی، در ۸۲۰ق. برای شاه‌رخ کتابت شده

۱. برای بحث مفصل در مورد این نقاشی، نک: (Shani, 2002: 148-156).

۲. برای تاریخچه این نسخه، نک: (Ghiasian, 2018a: 32-35).

است. این نقاشی‌ها در بخش اول نسخه که شامل تاریخ بلعمی است، قرار دارند. دو فقره از آن‌ها عوج را در کنار کشتی نوح<sup>(ع)</sup> و نیز در نبرد با موسی<sup>(ع)</sup> نشان می‌دهد (تصاویر ۸ و ۹). در نگاره کشتی نوح<sup>(ع)</sup> هنرمند برای نمایش عظمت عوج، او را در حاشیه و به اندازه ارتفاع کل فضای نوشتار ترسیم کرده است. مشابه تصویر گلچین اسکندر، او یک ماهی به دست دارد، اما رنگ دامن او به سبز گراییده است. می‌توان گفت که در میان تمام نمونه‌های نبرد موسی<sup>(ع)</sup> و عوج، تنها نگاره موجود در این نسخه توانسته پرش موسی<sup>(ع)</sup> را به‌طور موفقی ترسیم کند. عوج در سمت چپ این ترکیب‌بندی پله‌ای ترسیم‌شده و نیمی از بدن او خارج از قاب تصویر قرار دارد. او با دو دستش صخره بیضی‌شکلی که دور سر و گردنش افتاده را گرفته است. در میان تصویر، موسی<sup>(ع)</sup> با یک پرش بلند عصایش را برای ضربه زدن به پای عوج برافراشته است.



راست: تصویر ۷: عوج و کشتی نوح<sup>(ع)</sup>. گلچین اسکندر ابن عمر شیخ، ۸۱۳ق، شیراز، اندازه برگ: ۱۷۸×۲۷۳

میلی‌متر، موزه کالوست گلبنکیان (شماره: L.A. 161, vol. 2, fol. 241a)

چپ: تصویر ۸: عوج و کشتی نوح<sup>(ع)</sup>. برگ ۲۳ از کلیات تاریخی حافظ ابرو، هرات، ۸۲۰ق، اندازه برگ: ۲۱۵×۴۲۲

میلی‌متر، کتابخانه کاخ توپکاپی (شماره: B. 282)

دو تصویر دیگر از نبرد موسی<sup>(ع)</sup> و عوج که در کتابخانه شاهرخ اجرا شده، به‌جامانده است. این تصاویر متعلق به دو نسخه از مجمع‌التواریخ حافظ ابرو هستند. اولی نسخه‌ای است که به دست‌خط خود مؤلف در ۸۲۹ق. کتابت شده و امروزه در کتابخانه کاخ توپکاپی (شماره: H. 1653) نگهداری می‌شود (تصویر ۱۰).<sup>۱</sup> دومی نیز کتابی است که به‌صورت

۱. به‌تازگی این نسخه به‌صورت عکسی چاپ شده است: (رشیدالدین و حافظ ابرو: ۱۳۹۸).

برگ در دهها موزه و مجموعه خصوصی پراکنده شده و به نسخه پراکنده مجمع التواریخ معروف است (تصویر ۱۱). نقاشی نسخه اول به تقلید از نسخه عربی جامع التواریخ (تصویر ۲) عوج را به صورت افتاده بر زمین و با شلوارک به تصویر کشیده است، اما نقاشی نسخه پراکنده تا حد بسیار زیادی تحت تأثیر نگاره موجود در نسخه عجائب المخلوقات سلطان احمد جلایر (تصویر ۴) است، به حدی که می توان گفت ترکیب بندی این دو تصویر به صورت متعکس است. در هر دو نگاره که به صورت تمام صفحه ای طراحی شده، عوج با صخره به دور گردن و یک پای بالا آمده، حالت یکسان دارد. نکته لازم به ذکر در چهار نقاشی اجرا شده در کتابخانه شاهرخ (تصاویر ۸-۱۱) این است که برخلاف نقاشی های سده پیشین، رنگ شلوارک یا دامن عوج از آبی به سبز و نارنجی گراییده است. در هنر سده دهم هجری قمری، هلاکت عوج به دست موسی<sup>(ع)</sup>، موضوع مورد علاقه نگارگران در کتبی مانند عجائب المخلوقات، قصص الانبیاء و فالنامه ها بود. اغلب این نقاشی ها همان شیوه بازنمایی را دنبال می کنند که در زمان جلایریان تثبیت شد: عوجی که دامن کوتاه پوشیده و با دستانش صخره بیضی شکل دور گردنش را گرفته است (تصاویر ۱۲-۱۶). در نگاره ای از نبرد موسی<sup>(ع)</sup> و عوج در عجائب المخلوقات قزوینی محفوظ در کتابخانه کاخ توپکاپی (شماره: H. 404) اتفاق متفاوتی افتاده است. در اینجا علاوه بر افزودن هدهد بر روی صخره، صحنه ماهی بریان کردن عوج در برابر خورشید نیز ترسیم شده است (تصویر ۱۲). ترکیب بندی ساده، شیوه طراحی عوج و رنگ دامنش یادآور نقاشی نسخه پراکنده مجمع التواریخ است (تصویر ۱۱).

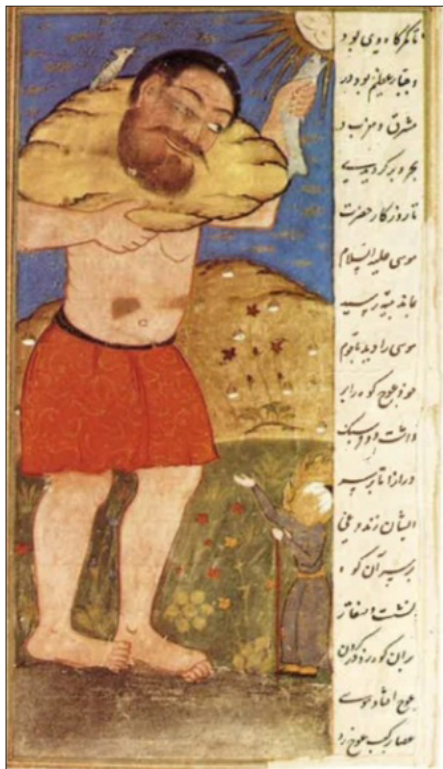


راست: تصویر ۹: نبرد موسی<sup>(ع)</sup> و عوج. برگ ۶۵ از کلیات تاریخی حافظ ابرو، هرات، ۸۲۰ق، اندازه برگ:

۳۱۵×۴۲۲ میلی متر، کتابخانه کاخ توپکاپی (شماره: B. 282)

چپ: تصویر ۱۰: نبرد موسی<sup>(ع)</sup> و عوج. بخشی از برگ ۶۲ از نسخه ای از مجمع التواریخ حافظ ابرو، ۸۲۹ق، هرات،

اندازه برگ: ۳۷۷×۵۴۲ میلی متر، کتابخانه کاخ توپکاپی (شماره: H. 1653)

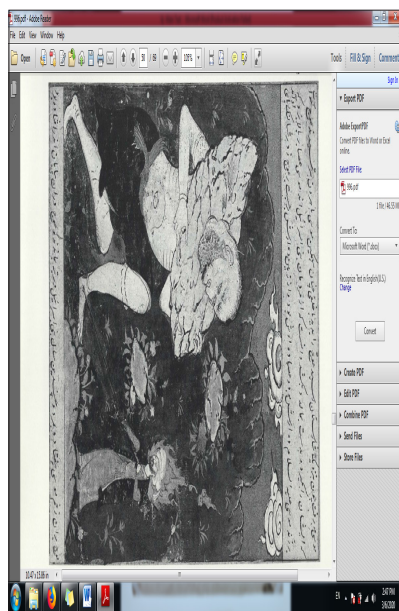


- راست: تصویر ۱۱: نبرد موسی<sup>(ع)</sup> و عوج. برگی از نسخهٔ پراکنده مجمع‌التواریخ حافظ ابرو، حدود ۸۳۰ق، هرات، اندازه برگ: ۲۴×۴۳ سانتی‌متر، موزه هنر سینسیناتی (شماره: 1947.501)
- چپ: تصویر ۱۲: نبرد موسی<sup>(ع)</sup> و عوج. برگی از عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات، زکریا بن محمد قزوینی، سدهٔ دهم هجری قمری، کتابخانه کاخ توپکاپی (شماره: H. 404, fol. 161a)

در نقاشی دیگری که به صورت تک‌برگ در موزهٔ آشمولین نگهداری می‌شود، عوج با ریش بسیار کوتاه، سر تاس و قدی حدود چهار برابر قامت موسی<sup>(ع)</sup> نشان داده شده است (تصویر ۱۳). البته در اینجا موسی<sup>(ع)</sup> یک اسب سیاه دارد و بر وفق نگارگری دورهٔ صفوی، دورنمایی از یک شهر با گنبدها و گلدسته‌ها در پس‌زمینه دیده می‌شود. در تصویر دیگری از یک نسخه از قصص الانبیاء عوج به صورت پیرمردی کزیه‌المنظر ترسیم‌شده که در حال افتادن است (تصویر ۱۴). موسی<sup>(ع)</sup> نیز در حالت ایستاده نوک عصایش را به قوزک پای عوج زده است. ظاهراً صحنهٔ نبرد موسی<sup>(ع)</sup> و عوج در چرخهٔ تصاویر فالنامه‌های دورهٔ صفوی نیز وجود داشته است. در نسخه‌ای از فالنامه در کتابخانه ایالتی زاکسن<sup>۱</sup>، ابعاد عوج نسبت به موسی<sup>(ع)</sup> کوچک‌تر شده و گروهی از تماشاگران در پس‌زمینه در حال نظاره هستند (تصویر ۱۵)<sup>۲</sup>. در فالنامه‌ای محفوظ در کتابخانه کاخ توپکاپی، درحالی‌که عوج همان حالت تکراری هنر پیشینیان را دارد، ابعاد موسی<sup>(ع)</sup> بزرگ‌تر از همیشه ترسیم‌شده به گونه‌ای که قامت او به اندازهٔ دو سوم بلندی عوج است (تصویر ۱۶). در گوشهٔ بالا سمت چپ، نیمی از قرص خورشید طراحی شده که در برخی از آثار پیشین وجود داشت، اما در اینجا چهرهٔ انسانی به خود گرفته است.

1. Die Sächsische Landesbibliothek in Dresden.

۲. در مورد نقاشی‌های این نسخه، نک: (Rühdranz, 1987).



راست: تصویر ۱۳: نبرد موسی<sup>(ع)</sup> و عوج. احتمالاً قزوین، نیمه دوم قرن شانزدهم هجری قمری، اندازه برگ: ۲۸۸×۲۱۰ میلی‌متر. موزه آشمولین، دانشگاه آکسفورد (شماره: URL 2) (EA1978.2566)  
 چپ: تصویر ۱۴: نبرد موسی<sup>(ع)</sup> و عوج، قصص الانبیاء. اواخر سده دهم هجری قمری، مجموعه خصوصی در لس‌آنجلس (Catherine and Ralph Benkaim Collection) (Brosh and Milstein, 1991: fig. 32).



راست: تصویر ۱۵: نبرد موسی<sup>(ع)</sup> و عوج. برگي از يك فالنامه، احتمالاً قزوین، اواسط سده دهم هجری قمری، کتابخانه ایالتی زاکسن (شماره: MS E 445, fol. 15b)  
 چپ: تصویر ۱۶: موسی<sup>(ع)</sup> و عوج. برگي از يك فالنامه، نیمه دوم سده دهم هجری قمری، کتابخانه کاخ توپکاپی (شماره: H. 1702, fol. 18b)، استانبول (Farhad, 2009: 36).

## نتیجه‌گیری

داستان عوج بر اساس روایات تلمود و نه بر اساس کتب عهدین به تألیفات مسلمانان راه یافت. در کتاب عهد عتیق، عوج بازمانده قوم رفائیم است و جثه‌ای در حدود دو برابر یک انسان معمولی دارد، اما در تلمود، ابعاد هیولایی و افسانه‌ای پیدا کرده است. در آثار تاریخ‌نگاران و قصص‌الانبیاء نویسان، افسانه عوج در ذیل تاریخ زندگانی نوح<sup>(ع)</sup> و موسی<sup>(ع)</sup> نوشته شده است. او به‌عنوان یک کافر معرفی شده که مقابل پیغمبران الهی ایستاد و نمادی از دشمن دین راستین در طول تاریخ است. ماجرای عوج که قابلیت تجسمی فوق‌العاده‌ای داشت، یکی از موضوعات مورد علاقه هنرمندان ایران در کتب مصور بود. قدیمی‌ترین تصویر شناخته‌شده از عوج در هنر اسلامی به ۶۷۸ق. برمی‌گردد که عوج را به‌صورت نیمه برهنه، درحالی‌که یک شلوارک کوتاه نیلگون پوشیده، ترسیم کرده است. دو دلیل برای انتخاب این نوع پوشش برای او می‌توان مطرح کرد: اول اینکه تکامل‌یافته بازنمایی دیوها در هنر آسیای میانه بود و دیگر اینکه بر اساس برخی روایات، عوج به دلیل جثه بزرگ و هیولایی‌اش هرچه غذا می‌خورد سیر نمی‌شد و هیچ پارچه‌ای به‌اندازه پوشاندن تمام بدن او موجود نبود. به‌گواه تصاویر نسخه عربی جامع‌التواریخ و تاریخ بلعمی، این نوع پوشش و رنگ آن در هنر دوره ایلخانی حفظ می‌شود. اتفاق مهمی که در نگاره‌های عوج در این دو نسخه افتاده، این است که بخشی از قرص خورشید به تصویر اضافه می‌شود که حاکی از توانایی او در بریان کردن ماهی در برابر آن است. در نسخه جامع‌التواریخ احتمالاً برای اولین بار، کوهی که عوج از زمین بلند کرده بود، به تصویر کشیده می‌شود. دوره جلایری را باید مهم‌ترین دوره در تثبیت نحوه بازنمایی عوج دانست. در نسخه عجائب‌المخلوقات طوسی سلمانی، کوهی که عوج از زمین بلند کرد، به‌صورت صخره‌ای بیضی‌شکل در دور گردنش نشان داده شده است. او یک دامن کوتاه پوشیده و یک پای خود را از زمین بلند کرده است. چنین ویژگی‌هایی در اغلب تصاویر عوج در هنر سده‌های بعدی تکرار می‌شود. علاقه هنرمندان دوره تیموری در ترسیم عوج از آنجا آشکار می‌شود که آنان علاوه بر ترسیم صحنه نبرد موسی<sup>(ع)</sup> و عوج، تصویر عوج ماهی به دست را به صحنه کشتی نوح<sup>(ع)</sup> افزودند. در سده دهم هجری قمری، عوج اغلب همان حالت تکراری هنر سده‌های قبل را دارد و بلندای او همچنان حدود چهار برابر قامت موسی<sup>(ع)</sup> است. البته در نسخه‌های فالنامه ابعاد موسی<sup>(ع)</sup> بزرگ‌تر شده و جثه او حدود نصف عوج است. اتفاق دیگر در برخی از آثار دوره صفوی این است که در پس‌زمینه صحنه نبرد موسی<sup>(ع)</sup> و عوج، یک منظره شهری و یا گروه تماشاچیان ترسیم شده است.

## فهرست منابع

- آژند، یعقوب. (۱۳۸۷). مکتب نگارگری شیراز. تهران: فرهنگستان هنر.
- ابن‌خلدون، عبدالرحمن بن محمد. (۱۳۸۲). مقدمه ابن‌خلدون. ترجمه محمد پروین گنابادی. ج ۱-۲. تهران: علمی و فرهنگی.
- بلعمی، ابوعلی محمد بن محمد. (۱۳۵۳). تاریخ بلعمی. ج ۱. تصحیح محمدتقی بهار. تهران: کتابفروشی زوار.



- حاج منوچهری، فرامرز. (۱۳۷۷). «اسرائیلیات». دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. ج ۸. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۲۹۰-۲۹۴.
- رشیدالدین و حافظ ابرو. (۱۳۹۸). جامع التواریخ رشیدالدین فضل‌الله همدانی (کتابت ۷۱۴ق) و مجمع التواریخ حافظ ابرو (کتابت ۸۲۹ق). مقدمه و پژوهش محمدرضا غیاثیان. ج ۱-۴. تهران: میراث مکتوب.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۷۵). تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک. ج ۱. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر.
- الکسائی، محمد بن عبدالله. (۲۳-۱۹۲۲). قصص الانبیاء: علیهم الصلوة و السلام (*Vita Prophetarum*). تصحیح اسحق بن سائول ایزنبرگ (Isaac Eisenberg). لیدن: بریل.
- مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۸۵ق). مروج الذهب و معادن الجوهر. به کوشش یوسف اسعد داغر. بیروت: دارالاندلس.
- النیسابوری، ابواسحاق ابراهیم بن منصور بن خلف. (۱۳۸۲). قصص الانبیاء (داستان‌های پیغامبران). به اهتمام حبیب یغمایی. تهران: علمی و فرهنگی.
- Brinner, William M. (2002). "Introduction". Idem (trans. and annot.) *Arā'is al-Majālis fī Qiṣaṣ al-Anbīyā', or "Lives of the Prophets"*. By Abū Ishāq Aḥmad ibn Muḥammad ibn Ibrāhīm al-Tha'labī. Leiden: Brill.
- Brosh, Na'ama and Rachel Milstein. (1991). *Biblical Stories in Islamic Painting*. Jerusalem: The Israel Museum.
- Dunlop, D. M. (1986). "Bal'ami". *Encyclopaedia of Islam*. vol. I, edited by H. A. R. Gibb, J. H. Kramers, E. Lévi-Provençal and J. Schacht. Leiden: E. J. Brill, 984-985.
- Farhad, Massumeh. (2009). *Falnama: The Book of Omens*. London: Thames and Hudson.
- Firestone, Reuven. (1990). *Journeys in Holy Lands: The Evolution of the Abraham-Ishmael Legends in Islamic Exegesis*. Albany: State University of New York.
- Fitzherbert, Teresa. (2001). "Bal'ami's Tabari: An Illustrated Manuscript of Bal'ami's *Tarjama-yi Tārīkh-i Ṭabari* in the Freer Gallery of Art, Washington (F59.16, 47.19 and 30.21)". *PhD. diss.* University of Edinburgh.
- Ghiasian, Mohamad Reza. (2018a). *Lives of the Prophets: The Illustrations to Hafiz-i Abru's "Assembly of Chronicles"*. Leiden, Boston: Brill.
- Ghiasian, Mohamad Reza. (2018b). "The Topkapı Manuscript of the Jami' al-Tawarikh (Hazine 1654) from Rashidiya to the Ottoman Court: A Preliminary Analysis". *Iranian Studies*. (vol 51), 399-425.
- Gutmann, Joseph. (1989). "More about the Giant Og in Islamic Art". Shorter Notices, *Bulletin of the Asia Institute*, N. S. 3, 107-14.
- Gutmann, Joseph and Vera Basch Moreen. (1987). "The Combat between Moses and Og in Muslim Miniatures". *Bulletin of the Asia Institute*. (vol 1), 111-122.
- Hirsch, Emil G. (1906). "Oj". *Jewish Encyclopedia*, 388. <http://www.jewishencyclopedia.com/articles/11672-og> (accessed 9 March 2020).
- Kosman, Admiel. (2002). "The Story of a Giant Story: The Winding Way of Og King of Bashan in the Jewish Haggadic Tradition". *Hebrew Union College Annual*. (vol 73), 157-190.
- Milstein, Rachel. (1986-87). "The Iconography of Moses in Islamic Art". *Jewish Art* (vol12-13), 199-

- Peacock, A.C.S. (2007). *Mediaeval Islamic Historiography and Political Legitimacy: Bal'amī's Tārīkhnāma*. New York: Routledge.
- Rebhan, Helga. (2010). *Die Wunder der Schöpfung: Handschriften der Bayerischen Staatsbibliothek aus dem islamischen Kulturkreis* [The Wonders of Creation: Manuscripts of the Bavarian State Library from the Islamic World]. Wiesbaden: Harrassowitz.
- Rice, David Talbot. (1976). *The Illustrations to the "World History" of Rashīd al-Dīn*. Edinburgh: Edinburgh University.
- Richard, Francis. (1997). *Splendeurs Persanes: Manuscrits du XIIe au XVIIe Siècle* [Persian Splendor: Manuscripts from the XII to XVII Century]. Paris: Bibliothèque Nationale de France.
- Rühdranz, Karin. (1987). "Die Miniaturen des Dresdener 'Fālnāme'". *Persica*. (vol 12), 1-56.
- Shani, Raya Y. (2002). "Noah's Ark and the Ship of Faith in Persian Painting: From the Fourteenth to the Sixteenth-Century". *Jerusalem Studies in Arabic and Islam*. (vol 27), 127-203.
- Soucek, Priscilla (1998). "Eskandar Soltān". *Encyclopaedia Iranica*. vol 8. edited by Ehsan Yarshater, 603-604. Costa Mesa, California: Mazda Publishers.
- Tha'labī, Abū-Ishāq Aḥmad Ibn-Muḥammad Ibn-Ibrāhīm. (2002). 'Arā'is al-Majālis fī Qiṣaṣ al-Anbiyā', or: Lives of the Prophets. Translated and annotated by William M. Brinner. Leiden, Boston: Brill.
- Tottoli, Roberto. (1999). "Origin and Use of the Term Isrā'īliyyāt in Muslim Literature". *Arabica* T. 46, Fasc. 2: 193-210.
- URL 1: <https://asia.si.edu/object/F1957.16> (accessed 9 March 2020).
- URL 2: <http://jameelcentre.ashmolean.org/collection/921/object/19077> (accessed 9 March 2020).